

## مقایسه تطبیقی مبانی و توجیهات بازرگانی مرور زمان در حقوق ایران و کامن لا

عیسی قاسمی‌گرده، علی مجیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

مرور زمان یکی از مسائل مقدماتی در طرح دعوا محسوب می‌شود. علیرغم وجود مخالفین و موافقین دو مبنای عمده و مهم برای مرور زمان عنوان شده است که عبارتند از نظم عمومی و اماره اعراض از حق. وضع مرور زمان برای معاملات تجاری نیز اگرچه مبنای جداگانه ندارد، ولی از آنجا که استماع دعاوی که باعث تردید تجار در انجام معاملات تجاری شود به رونق اقتصادی لطمه خواهد زد و باتوجه به اهمیت معاملات بازرگانی و ارتباط آن با نظم عمومی اقتصادی، مرور زمان بعنوان تضمین‌کننده ثبات در وضعیت‌های اقتصادی اشخاص نقش مهمی ایفا می‌نماید. مرور زمان بدون در نظر گرفتن تمامی شرایط و بصورت انعطاف‌ناپذیر اعمال نمی‌شود و برای موجه یا ناموجه بودن ایراد مرور زمان به ملاک‌های عینی یا ذهنی در رفتار طرفین دعوا توجه می‌شود. البته گاهی نیز علیرغم این توجهات، مبانی و توجیهات دیگری در آراء آورده می‌شود، که در این تحقیق ضمن مقایسه بین نظام حقوقی کامن لا و ایران سعی در بررسی توانمان آنها دارد.

واژگان کلیدی: دعای تجاری، صلاحدید، قصور در اقامه دعوا، مرور زمان، نظم عمومی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان i.ghasemi@iraninsurance.ir

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند

## مقدمه

طرح دعوا در دادگاه‌ها مقتضیاتی دارد که با اندک تفاوتی وجوه مشترک آنرا می‌توان در تمام نظام‌های حقوقی مشاهده کرد. هر دادگاه برای اینکه وارد رسیدگی در دعوا بشود، پیش از هر چیز صلاحیت رسیدگی خود و قابلیت استماع موضوع دعوا را بررسی می‌نماید. استماع دعوا وابسته به شرایطی است که می‌بایستی از سوی خواهان دعوا رعایت گردد. یکی از این مقدمات چالش‌برانگیز مساله مرور زمان<sup>۱</sup> می‌باشد که همیشه موضوع پذیرش یا عدم پذیرش آن در تصمیمات دادگاه‌ها مورد چالش بوده است. در قوانین موضوعه ایران برای اولین بار در قانون ثبت عمومی املاک مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ از ماده ۳ تا ماده ۵ از عبارت مرور زمان در خصوص اموال غیرمنقول استفاده شده است. در تیر ماه سال ۱۳۰۸ قانونی تحت عنوان مرور زمان اموال منقوله به تصویب رسید و به این ترتیب مرور زمان در زمینه اموال منقول هم وارد قوانین موضوعه شد. در سال ۱۳۱۸ با تجاری که از قوانین قبلی به دست آمده بود در قانون آئین دادرسی مدنی در باب ۱۱ مشتمل بر ۵ فصل از ماده ۷۳۱ لغایت ۷۶۹ به مبحث مرور زمان در دعاوی پرداخته شد. بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۶۱ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ همچنان برقرار بود. در قوانین خاص نظیر قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در ماده ۳۶ و قانون تجارت در موادی نظیر ۲۱۹، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۸، ۳۹۳ قانونگذار از بحث مرور زمان سخن رانده و آنرا مورد شناسایی قرار داده است.

۹۸

در حقوق کامن‌لا مدعی باید پیش از طرح دعوا برخی از موارد مهم اعم از صلاحیت دادگاه، اهلیت طرفین و تعیین خواسته و مرور زمان را مدنظر قرار دهد که هریک مقررات مفصلی دارند. بحث مرور زمان در حقوق انگلستان در قانون مرور زمان مصوب ۱۹۸۰ مدون شده است. البته در این نظام قضایی این کشور استناد به مرور زمان محدود و مقید به موارد قانون مزبور نبوده و بسته به شرایط دعوا خوانده می‌تواند به مرور زمان غیر از موارد مصرح در قانون استناد نماید. در این مقاله با بررسی مختصر مبانی و توجیهات مرور زمان در حقوق ایران و حقوق کامن‌لا تلاش خواهیم نمود، امکان تفکیک مرور زمان عادی و تجاری را در حقوق ایران و انگلیس مشخص نمائیم و بیان نمائیم که تجاری بودن دعوا تاثیری وضع مقررات مرور زمان دارد یا خیر.

## ۱- کلیات و مفاهیم

## ۱-۱- مفهوم حقوقی مرور زمان

از نظر تاریخی قاعده مرور زمان ریشه در حقوق فرانسه و روم دارد. ماده ۷۳۱ آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است. ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه اشعار می‌دارد:

<sup>۱</sup> Prescription

«مرور زمان وسیله تملک یا برائت ذمه است بر اثر گذشتن مدتی به شرایطی که قانون معین کرده است». با مذاقه در تعریف روشن می‌شود که قانونگذار ایرانی به جهت اینکه قانون مخالفتی با شرع نداشته باشد، در تعریف خود از مرور زمان دو ویژگی عمده را از آن حذف کرده و در ازاء آن خصیصه جدیدی به آن افزوده است.

در تعریف قانونگذار فرانسوی از مرور زمان دو ویژگی «مسقط» و «مملک» بودن مرور زمان مشهود است. طرفین دعوی می‌توانند با استناد به مرور زمان مالی را به صورت قانونی به تملک خود درآورند یا ذمه خود را از دینی بری نمایند. اما قانونگذار ایرانی هر دو ویژگی مرور زمان را حذف کرده است و تنها مرور زمان را بعنوان مانعی جهت استماع دعوی شناسایی کرده است. بدین معنی که قانونگذار نافی وجود حق مدعی نیست بلکه دعوی وی را مسموع نمی‌داند (حاتمی و ذاکری، ۱۳۷۹: ۲۷؛ شهیدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

در ماده ۷۳۱ آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ تعریف مرور زمان اینچنین آمده است: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضا آن مدت دعوی شنیده نمی‌شود». تعریفی که در کامن‌لاز مرور زمان شده بیان می‌دارد که: «مرور زمان عبارتست از اعمال محدودیت در طرح دعوا» (West's Encyclopedia of American Law, 1997). در حقوق انگلستان مرور زمان تحت حاکمیت قانون مرور زمان مصوب ۱۹۸۰ میلادی قرار دارد.

## ۲-۱- مبانی تجارتي و بازرگانی

همانطور که پیشتر نیز گفته شد بنیادهای معاملات تجاری با مبانی معاملات مرسوم سنتی متمایز می‌باشد و این تمایزات در برخی نظام‌ها باعث ایجاد قواعد و مقررات متناسب با این بنیادها گردیده است، چراکه بدون در نظر گرفتن این تمایزات به نوبه خود نظم عمومی اقتصادی را به مخاطره خواهد انداخت. اگرچه همانطور که گفته شد وضع مرور زمان برای معاملات تجاری فلسفه‌ای جداگانه ندارد، ولی اهمیت اصول بنیادین حقوق تجارتي از جمله مواردی است که برای سایر معاملات و روابط حقوقی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا بدلیل اختصاص این ویژگی‌ها به معاملات تجاری و همسویی مرور زمان پیش‌بینی شده در معاملات تجاری با این اصول بطور مختصر به آنها خواهیم پرداخت.

### ۱-۲-۱- سرعت در امور تجاری

اصل سرعت در گردش سرمایه یکی از اصول اساسی در تجارت است، چراکه عقود تجارتي هم در هنگام انعقاد و هم اجرای مفاد آن مستلزم تسریع می‌باشد (عرفانی، ۱۳۸۳: ۴۸). وجود قوانینی که باعث کندی امور تجاری شود یا عدم وجود قوانین تسهیل کننده، باعث عدم پویایی فعالیت تجاری خواهد شد. یکی از مسائلی که

باعث کندی روابط تجاری و اقتصادی می‌شود احتمال طرح بالقوه دعاوی قضایی علیه بازرگانان است چراکه یکی از دغدغه‌های همیشگی آنها به جای افزایش سرمایه و گردش آن، نگهداشت قسمتی از سرمایه برای روزهایی خواهد بود که ممکن است طرف تجاری او قصد داشته باشد در تاریخی نامعین علیه او اقامه دعا کند.

### ۱-۲-۲- سهولت در روابط تجاری

یکی دیگر از اصول تجارت تسهیل امور تجاری است.<sup>۱</sup> اساساً فلسفه تصویب قوانین تجاری، سهولت روابط تجاری و گردش آسان منابع مالی و حمایت از توزیع ثروت است که در نهایت باعث رونق کسب و کار در سطوح مختلف جامعه شده و اقتصاد را رونق می‌بخشد. در راستای این اصل میزان و مدت زمان مسئولیت طرفین دخیل در امر تجارت دارای اهمیت است. در معاملات تجار اگر طول زمان مسئول بودن آنها مشخص نباشد با خاطری آسوده نمی‌توانند به اعمال تجاری دیگر بپردازند و می‌بایست قسمتی از سرمایه خود را برای مسئولیت احتمالی که مشخص نیست در چه زمان برای آنها در نظر گرفته خواهد شد، کنار گذارند. این موضوع باعث کند شدن و دشواری گردش مالی در اعمال تجاری می‌گردد و بازرگانان به ناچار محتاط‌تر رفتار خواهند کرد.

### ۱-۲-۳- امنیت در روابط تجاری

چرخه اقتصادی در گرو معاملات هرچه بیشتر بازرگانان و انجام معاملات بیشتر در سایه امنیت اقتصادی میسر است. وجود قوانینی که باعث تردید تجار در انجام معاملات تجاری شود به رونق اقتصادی لطمه خواهد زد. از سوی دیگر عدم وجود قوانین تضمین کننده امنیت قضایی مانند مرور زمان از موانع رونق تجاری است، چراکه عدم احساس امنیت در بازرگانان باعث عدم سرمایه‌گذاری می‌شود و این عدم سرمایه‌گذاری چرخه تجارت یک کشور را با کندی یا حتی رکود مواجه می‌سازد.

### ۱-۳-۳- مساله دعاوی تجاری

#### ۱-۳-۱- وصف تجاری

تشخیص تجاری بودن اعمال حقوقی از جمله مسائلی است که تاکنون مورد اتفاق نظر نظام‌های حقوقی قرار نگرفته و حداقل سه سیستم حقوقی متفاوت، در این زمینه قابل تشخیص است (ایران پور، ۱۳۹۰: ۲۴).

<sup>۱</sup> مقدمه کنوانسیون مرور زمان در بیع بین‌المللی ۱۹۷۴

- **نظام عینی‌گرا:** در این نظام وصف تجاری بودن به صورت «موضوعی» مبتنی بر خود (ذات) عملیات تجاری می‌باشد، به این معنی که در قانون به صراحت عملیات تجاری تعیین و احصا گردیده است و اگر شخصی مبادرت به انجام عملیات‌های تجاری مزبور بنماید، تاجر محسوب می‌گردد. این نظام دارای این اشکال عمده است که به جنبه تخصصی تجارت از یک طرف و به دخالت نظم عمومی در روابط تجاری از طرف دیگر کمتر توجه می‌نماید. از طرف دیگر امروزه مسائل بازرگانی از روابط بین تجار فراتر رفته و دولت نیز در راستای حفظ نظم تجاری در آن دخالت می‌نماید (همان، ۲۵).

- **نظام شخصی‌گرا!** در این نظام وصف تجاری بودن مبتنی بر «شخص تاجر» است که با احراز شرایط خاص قانونی می‌تواند (مثلاً با اخذ کارت بازرگانی) تاجر محسوب شود. در این صورت کلیه معاملات به واسطه تاجر بودن شخص، تجاری محسوب می‌شود. اشکال این طرز تفکر در آن است که جامع و مانع نمی‌باشد. مانع نیست چراکه اگر معاملات تاجر مربوط به امور تجاری نباشد، براساس چه معیاری می‌توان آن عملیات را از حیثه حقوق تجارت خارج نمود و جامع نیست، زیرا چه بسیار مواردی که اشخاص، به ویژه اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی که فاقد کارت بازرگانی هستند، مبادرت به انجام عملیات تجاری می‌نمایند، حال آنکه براساس نظام حقوقی شخصی، عملیات آنها فاقد وصف تجاری است (همان).

- **نظام مختلط نوعی و شخصی:** در این نظام، مانند نظام حقوقی ایران (ستوده، ۱۳۷۷: ۳۱) و فرانسه، قانونگذار ۱۰۱ ابتدائاً به تعریف موضوعی عملیات تجاری می‌پردازد و آنگاه با تعیین معاملات تجاری، تاجر را معرفی می‌نماید و سپس بعضی معاملات آنان را به اعتبار شخص تاجر دارای وصف تجاری می‌داند. در نتیجه در این نظام نه تنها به صورت موضوعی به تجاری بودن معاملات توجه شده، بلکه به شرایط شخص تاجر نیز به جهت تجاری دانستن بعضی معاملات وی توجه شده است (ایران‌پور، پیشین: ۲۶). با وجود نظرات فوق می‌توان گفت که به آن دسته از قراردادهای اطلاق می‌شود که برای مقاصد کسب‌وکار و رفع نیازهای تجاری منعقد می‌شود. قراردادهایی که برای رفع نیازهای شخصی منعقد می‌شود قراردادهای مصرف‌کننده نامیده می‌شده و از حیثه بحث خارج است (شیروی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). بنابراین به نظر می‌رسد اگر قرارداد برای مصارف شخصی و خانوادگی نبوده و هدف از انعقاد آن کسب‌وکار و تحصیل درآمد باشد، مشمول قراردادهای تجاری است و این امر مستلزم رسیدگی قضایی است.

### ۱-۳-۲- مقایسه تطبیقی

باتوجه به عدم وجود قوانین پیشرفته و مدون در خصوص معاملات در حقوق سنتی ایران و اینکه اصولاً مبانی جدید معاملات تجاری در قواعد سنتی حقوقی لحاظ نشده است و اگر هم شده (همانند قواعد مربوط به حمل

<sup>1</sup> Objectivism

<sup>2</sup> Subjectivism

و نقل در قالب عقد اجاره) پاسخگویی خصایص امروزیین تجارت نمی‌باشد و بطور کلی باتوجه به شرایط جامعه معاصر قانونگذار از ابتدا در جهت حفظ تعادل بین حقوق سنتی و نیازهای روز جامعه اقدام به تفکیک و تدوین قوانین خاص تجاری نموده است. در ماده ۲ و ۳ قانون تجارت اعمال و معاملات تجاری تعریف شده است. این مساله ذهن را به این سمت و سو می‌کشد که بنیادها و قواعد خاصی بر این معاملات حاکم است که با بنیادها و قواعد معاملات مرسوم متفاوت می‌باشد که در قسمت مبانی تجاری مرور زمان تجاری به آن پرداخته شد.

در حقوق کامن‌لا که اساساً باتوجه به ساختار آن که منشاء حقوق از دو گروه قواعد متمایز از هم معروف به قواعد سنتی کامن‌لا<sup>۱</sup> و قواعد انصاف<sup>۲</sup> می‌باشد (Mallor, Jane & others, 2010: 2). تقسیم‌بندی معاملات و به تبع آن دعاوی به تجاری و مدنی بطور دقیق وجود ندارد. بلکه اصولاً با پیشینه حاکمیت رژیم سرمایه‌داری بر جامعه فرض بر تجاری و بازرگانی بودن معاملات است و صرفاً در مواردی که دولت‌ها بواسطه مصالح و منافع اجتماعی و عمومی، قوانینی را مبنی بر اعمال محدودیت در اراده طرفین یا دخالت خود در معاملات خاصی وضع می‌کنند، معاملات از ویژگی اصلی خود خارج می‌شود و حالت غیر تجاری به معنای عدم پیروی از مقررات مرسوم بخود می‌گیرد.

نحوه تقسیم‌بندی قانون مرور زمان انگلستان نیز چنین تفکیکی را نشان نمی‌دهد. در این قانون دعاوی از لحاظ شمول مرور زمان به دعاوی ناشی از ضمان قهری مربوط به اموال و اشخاص، قراردادهای عادی و خاص، مطالبات قانونی، زمین و اجاره، رهن، ترکه تقسیم می‌شوند، لذا ملاحظه می‌شود که وصف تجاری در تقسیم‌بندی فوق تأثیری نداشته است.

البته در حقوق آمریکا تلاش بسیار دقیقی برای تفکیک معاملات تجاری تحت عنوان خاص<sup>۳</sup> صورت گرفته است، ولی گستردگی دامنه شمول این مجموعه قوانین نشان دهنده آن است که جز موارد خاص، اصل بر تجاری بودن تمامی معاملات می‌باشد. در کنوانسیون بین‌المللی مرور زمان در بیع بین‌المللی نیز که برگرفته و اقدامی در جهت هماهنگ نمودن نظام‌های مختلف در باب مرور زمان است، تفکیکی از این باب صورت نگرفته است و فقط به استثناء بودن برخی موضوعات خاص پرداخته شده است (مواد ۴ و ۵). برای نمونه با وجودیکه می‌دانیم در ایران دعاوی برواتی طبق ماده ۲ قانون تجارت دعاوی تجاری هستند و در حالیکه در

<sup>1</sup> Common Law

<sup>2</sup> Equity

<sup>3</sup> Uniform Commercial Code

مقدمه این کنوانسیون به مبتنی بودن فلسفه وضع آن به تسهیل در تجارت بین‌المللی اشاره شده است، در بند «و» ماده ۵ صراحتاً دعاوی مبتنی بر برات، چک و سفته مستثنی شده‌اند. در نهایت می‌توان گفت که اصطلاح حقوق بازرگانی در این سیستم حقوقی عبارت علمی و دقیقی محسوب نمی‌شود<sup>۱</sup> و فقط عناوینی که صراحتاً یا بنابر طبیعت خود (همانند دعاوی خانوادگی) (UNIDROIT & The American Law Institute, 2006) از حیثه آن استثناء شود، در این مجموعه قرار نمی‌گیرد. بنابراین همانطور که درخصوص پیش‌فرض تجاری بودن گفته شد، اصولاً می‌توان تمامی دعاوی ناشی از قراردادهای و معاملات را در حیثه تجاری طبقه‌بندی نمود (Peter Gillies, 2000: 731).

## ۲- مبانی و چالش‌های مرور زمان در حقوق ایران

دو مبنای عمده و مهم برای مرور زمان عنوان شده است: نظم عمومی؛ و اماره اعراض از حق (شهیدی، پیشین: ۲۲۵). مبانی که در توجیه اعتبار مرور زمان در حقوق سنتی و معاصر ایران بیان شده براساس مفاهیم و قواعد فقهی و آراء متقدمین بوده و همواره موافقین و مخالفینی داشته است که در اینجا به بررسی این موضوعات می‌پردازیم.

### ۲-۱- مبانی در فقه سنتی

۱) **قاعده اعراض:** یکی از مهمترین دلایل موافقین مرور زمان قاعده اعراض است. زمانی که صاحب حق مدتی نسبت به حق خود ادعایی نمی‌کند در واقع از آن اعراض کرده و از حق خود صرف‌نظر کرده است و چون اعراض جزء ایقاعات لازم است لذا موجبات سقوط تعهد را فراهم می‌آورد. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که اگر مرور زمان را دلیلی بر اعراض از حق بدانیم باعث از بین رفتن حق یا تعهد می‌گردد اما اگر مرور زمان را صرفاً موجب سقوط حق اقامه دعوا بدانیم باعث زوال حق یا تعهد نیست بلکه حق طرح ادعا را از مدعی سلب می‌کند. این نکته تفاوت بین اعراض در قانون مدنی و مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی است.

۲) **قاعده اقتضای ظاهر:** براساس این قاعده زمانی که مدعی حق مدتی طولانی از حق خود بهره‌نگیرد و آنرا مسکوت یا معطل گذارد ظاهر بر این است که آن حق را نمی‌خواهد و قصد بهره‌جستن از آن را ندارد (حاتمی و ذاکری، پیشین).

۳) **قاعده لاضرر:** موافقین چنین استدلال کرده‌اند که الزام افراد برای نگهداری اسناد خود به مدت‌های طولانی نادیده گرفتن وضعیت فردی است که اکنون مدعی حق یا مالکیت است در برابر فردی که مدعی حقی است

<sup>۱</sup> Black Law Dictionary

که سال‌های بسیار دور برای او ایجاد شده که این موضوع با قاعده لاضرر تعارض دارد. لذا جهت جلوگیری از ورود ضرر و خسارت می‌بایست قائل به سقوط حق سابق شد (همان).

۴) موافقین مرور زمان در تایید آراء خود به روایات هم استناد کرده‌اند از جمله:

- با چند واسطه روایتی از امام هفتم (ع) منقول است که: «ان الارض لله تعالی جعلها وفاقاً علی عباده فمن عطلا رضا ثلاث سنين متوالیه لغير عله اخذت من یده و دفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنين فلا حق له»، بدین معنی که اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت استفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلا استفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می‌شود و هرگاه کسی حق خود را که برگردن دیگری دارد یا حقی که بوسیله دیگری استفاده می‌شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند این حق ساقط می‌گردد (همان).

بنابراین براساس این روایت مرور زمان برای اموال غیرمنقول سه سال و برای اموال منقول و حقوق دینی ده سال است.

- روایت علی بن ابراهیم:

علی بن ابراهیم با چند واسطه روایتی از امام ششم (ع) نقل می‌کند که: «من اخذت منه ارض ثم مکث ثلاث سنين ان یطلبها لا یحل له بعد ثلاث ان یطلبها». این روایت هم مانند روایتی که قبلاً ذکر شد در خصوص مرور زمان سه ساله اموال غیرمنقول است البته در خصوص اموال منقول اشاره‌ای نکرده است.

۵) موافقین مرور زمان از فتاویٰ فقها نیز بهره جسته‌اند از جمله:

- از فتاویٰ شیخ صدوق که به مرور زمان ده ساله اعتقاد داشته که آن را وصیت پدر خود این بابویه می‌داند و خود نیز بر آن اعتقاد بوده است. با این عبارت: «اعلم ان من ترک داراً او عقاراً او ارضاً ید غیره فلمیتکلم و لم یطلب و لم یخاصم من ذلک عشر فلا حق له». - از فقهای معاصر هم به فتاویٰ آیت‌اله موسوی بجنوردی در خصوص قبول مرور زمان استناد کرده‌اند (همان).

## ۲-۲- شورای نگهبان و مقوله مرور زمان

۱) نظریات شورای نگهبان در دعاوی حقوقی: شورای نگهبان در نظریه معروف خود که اساس رد دعاوی زیادی از طرف قضات شده است در مورد سوال مورخه ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۶۱ شورای عالی قضایی بدین مضمون که: «آیا سماع دعوی طلب و دین در دادگاه باتوجه به ماده ۷۳۱ درباره مرور زمان از قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ از قانون آئین دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است یا خیر؟» به شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ بدین شرح پاسخ داده است: «مواد ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد



مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال، بیست سال، سی سال، یک سال، و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف موازین شرع تشخیص داده شد.

در سال ۱۳۷۱ شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۳۱۱ مورخ ۱۳۷۱/۴/۲۵ در مورد دعاوی حقوقی بیگانگان از نظریه سال ۱۳۶۱ خود عدول می‌نماید بدین شرح که: «... اطلاق نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده نمی‌شود» (همان).

۲) موضع شورای نگهبان در خصوص دعاوی تجاری: شورای نگهبان تاکنون در خصوص مرور زمان در دعاوی تجاری نظریه‌ای ارائه نکرده است و به قوانین مربوط به مرور زمان که در دعاوی تجاری وجود داشته متعرض نشده است. مانند ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ که مرور زمان را در دعاوی که منشا بیمه‌ای دارند دو سال اعلام کرده است. همچنین ماده ۳۹۳ قانون تجارت که مهلت طرح دعوی به طرفیت متصدی حمل و نقل را یکسال تعیین کرده است. در موادی نظیر ۲۱۹، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۸ قانون تجارت مواعیدی جهت طرح دعوی تعیین شده است و شورای نگهبان نسخ این مواد را اعلام نکرده است.

۳) مرور زمان غیر تجاری مصوب شورای نگهبان: در اینجا ذکر این سوابق تاریخی ضروری بنظر می‌رسد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانینی در خصوص مرور زمان به تصویب رسید که شورای نگهبان بر روی ۱۰۵ آنها صحه گذاشته است که از جمله می‌توان به لایحه قانونی راجع به مرور زمان مربوط به دعاوی مزایای قانونی ناشی از حقوق مندرج در قانون کار مصوب ۱۳۵۹/۰۳/۱۰؛ ماده ۱۵۷ و تبصره آن در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۰۳؛ تصویب مواد ۱۷۳ الی ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۷۸ اشاره کرد.

## ۲-۳- رویه قضایی ایران در خصوص مرور زمان

با مطالعه آراء ملاحظه می‌شود که قضات ایرانی رویه واحدی را در مواجهه با مساله مرور زمان در پیش نگرفته‌اند. گروهی از قضات به استناد نظریه شورای نگهبان مرور زمان را امری خلاف شرع دانسته و به این دلیل این ایراد شکلی را مردود اعلام می‌نمایند. گروهی دیگر از قضات نظریه شورای نگهبان در خصوص خلاف شرع بودن مرور زمان تنها مربوط به دعاوی غیر تجاری می‌دانند و دعاوی تجاری را خارج از شمول این اظهار نظر دانسته و ایراد مرور زمان را در صورت تحقق وارد می‌دانند که البته دادگاه‌ها نیز در دعاوی تجاری خود را مقید به اعمال و رعایت موعد پیش‌بینی شده در ماده ۳۱۸ قانون تجارت مربوط به مرور زمان می‌دانند (دعوی م. پ علیه شرکت، ۱۳۹۱). البته باید گفت که خصوصیت بارز در آرای صادره فقد استدلال براساس مبانی ذکر شده می‌باشد. تنها استدلال قابل ذکر بیان عدم قابل اسقاط بودن اصل حق می‌باشد که در اغلب

آراء دیده می‌شود و اساساً به این مساله که آیا خواهان در طرح دعوا و مزی مدت قصوری داشته یا خیر پرداخته نشده است (دعوی شرکت مجتمع شیر م. علیه شرکت بیمه، ۱۳۹۱).

### ۳- مرور زمان در حقوق کامن‌لا

در حقوق کامن‌لا مرور زمان اهرمی است برای ایجاد تعادل بین حق اقامه دعوی خواهان و حق دفاع خواننده در اینکه بطور دائمی در معرض خطر طرح دعوا قرار نداشته باشد. دسترسی به مستندات دعوا پس از گذشت مدت طولانی مشکل می‌شود و منافع عمومی ایجاب می‌نماید که اقامه کننده دعوا در یک مدت معقولی اقدام به طرح دعوا نماید. در واقع یک شخص معقول برای جلوگیری از تضييع حق خود نسبت به طرح دعوا در موعدی که تاخیر بیش از اندازه تلقی نشود، اقدام می‌نماید، در غیر این صورت تاخیر یاد شده موجب بروز مشکلاتی در تهیه دلایل، اطاله دادرسی، بروز زیان به خواننده و غیره می‌گردد. می‌توان گفت که شرایطی که در صورت عدم وجود مرور زمان منجر به یک وضعیت ناعادلانه می‌شود، پایه‌های امکان استناد به مرور زمان را بوجود می‌آورد (Loughlin & Gerlis, 2004: 25). بدین معنا که وی بطور معمول تا زمان مشخصی راجع به یک موضوع انتظار طرح دعوا علیه خویش را دارد و خارج از مدت مذکور در صورت اقامه دعوا تهیه و تدارک مدارک و مستندات محکمه‌پسند برای وی مشکل خواهد شد (Cunningham-Hill & Elder, 2010: 99).

### ۳-۱- جوهره و ماهیت مرور زمان

در نگاه اول استناد به مرور زمان یک ایراد شکلی بوده و دفاع محسوب می‌شود. بنابراین بایستی صریحاً مورد استناد قرار گیرد و خودبخود بر دعوا اعمال نخواهد و بنابراین در صورت استناد خواننده به این ایراد وی در موقعیت خدشه‌ناپذیری قرار خواهد گرفت (Ibid, 100). در مقررات ائین دادرسی جدید انگلستان اینکه مرور زمان یک ایراد و دفاع بشمار می‌رود و حتماً بایستی توسط خواننده اقامه شود، مورد تاکید قرار گرفته است. در واقع در صورتی که ایراد صورت نگیرد دعوا قابلیت رسیدگی داشته و روند دادرسی ادامه می‌یابد.<sup>۱</sup> با این حال به نظر می‌رسد حتی اگر با مرور زمان بعنوان قواعد شکلی برخورد شود، مرور زمان دارای مبنای ماهوی است (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۳۴۸-۳۴۵). همانطور که در حقوق ایران بحث شد، دلایل ماهوی چون نظم عمومی، اماره اعراض از حق و اصول تجارتي باعث وضع و ایجاد آن شده است و صرفاً بخاطر قالب دادن و قابل محاسبه نمودن آن بوده که اماره‌های قانونی مبنی بر محدوده زمانی برای آن پیش‌بینی شده است. این وضعیت را مرور زمان‌های مبتنی بر انصاف در حقوق کامن‌لا توجیه و ثابت می‌نماید، زیرا بدون وجود حکم قانونی دادگاه

<sup>1</sup> The defendant must give details of the expiry of any relevant limitation period relied on (PD 16, para 13.1)

براساس داده‌ها و امارات قضایی می‌تواند دعوا را به دلیل تاخیر نامعقول رد نماید (Sime & French, 2012: 202,203).

### ۳-۲- شیوه و اشکال اعمال مرور زمان

در ایران نحوه اعمال مرور زمان قانون پیش‌بینی شده است و تحت اختیارات قانونی قابل اعمال است. در واقع بدون استناد قانونی نمی‌توان از طریق استدلال در تاخیر اقامه دعوا به دفاع پرداخت، در حالیکه در حقوق کامن‌لا اینچنین نیست. در نظام کامن‌لا اصولاً مدت مرور زمان بسته به قوانین حاکم در مقر دادگاه و بسته به سبب دعوا متفاوت می‌باشد. قانون مرور زمان مصوب ۱۹۸۰ انگلستان در بند سوم از بند یک ماده ۳۲ مقرر می‌دارد که آغاز مرور زمان از پی بردن خواهان به اشتباه خود و پس از تلاش منطقی وی برای احقاق حق می‌باشد. ولی ملاک برای سنجش وارد بودن ایراد مرور زمان وضعیت خوانده است. اگر به هر دلیلی تاخیر خواهان منتسب یا مستند به فریب، پنهان‌کاری و یا اشتباه خوانده باشد، خواهان حق اقامه دعوا را با وجود مزی مدت قانونی خواهد داشت. بنابراین مرور زمان اگرچه در این قوانین پیش‌بینی شده است، ولی به شرایطی وابسته است که در صورت عدم این شرایط امکان استناد به آن نیز با اشکال مواجه می‌شود.<sup>۱</sup>

در عین حال در صورتی که خواسته خواهان از جمله حقوقی باشد که مبتنی بر انصاف است، نحوه برخورد دادگاه متفاوت خواهد بود. در این صورت دادگاه به مقررات قانونی مرور زمان استناد نمی‌نماید (بند ۲ از بخش ۳۶ قسمت نخست قانون مرور زمان مصوب ۱۹۸۰). در این موارد دادگاه با ایراد خوانده به مواردی همچون قصور در اقامه به موقع دعوا استناد خواهد نمود. بنابراین باتوجه به ساختار حقوق کامن‌لا مرور زمان به دو نحو قابل اعمال است؛ مرور زمان قانونی<sup>۲</sup> و مرور زمان قضایی<sup>۳</sup>.

از طرف دیگر در صورت وارد بودن ایراد مرور زمان قانونی، اصولاً دعوا رد خواهد شد، ولی نص قانون مانع از این نیست که دادگاه تحت اختیار خود اعمال مرور زمان نماید. در واقع همانطور که گفته شد وفق بند یک ماده ۳۲ قانون مرور زمان در برخی دعاوی دادگاه اختیار دارد که ایراد را نادیده گرفته و به بررسی واقعیت‌های موجود در پرونده، از حیث اینکه دعوا در مدت متعارف طرح شده است یا نه، بپردازد. به عبارت دیگر اینکه خواهان زمان زیادی را باتوجه به شرایط دعوا جهت احقاق حق تلف نموده است یا خیر. در صورتی که دادگاه تاخیر را محرز تشخیص بدهد دعوا را منسوخ شده اعلام می‌نماید و در غیر این صورت دعوا ادامه خواهد یافت (Loughlin & Gerlis, Ibid).

<sup>1</sup> PecoQrtsInc V. Hazllit Gallery Ltd (1983)

<sup>2</sup> Statute of Limitation

<sup>3</sup> Laches

نقطه شروع مرور زمان نقش مهمی در اعمال مرور زمان دارد. در پرونده‌های ناشی از نقض قرارداد زمان آغاز مرور زمان از تاریخ نقض قرارداد است. در اغلب پرونده‌های مسئولیت مدنی نقطه شروع مرور زمان، هنگام «ورود خسارت» یا «کشف خسارت» یا زمانی که خسارت «می‌بایستی کشف می‌شد»، می‌باشد (Bergman & Berman-Barrett, January 2003: 57) و البته حتی در صورتی که متعاقب خسارت نخستین، خسارت سنگین‌تری نسبت به خسارت اولیه وارد آید، باز نقطه شروع مرور زمان از هنگام ورود خسارت اولیه خواهد بود (Loughlin & Gerlis, Ibid).

### نتیجه‌گیری

گرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد که باتوجه به تقسیم‌بندی حقوق در رژیم کامن‌لا تفکیکی بین مرور زمان تجاری و غیرتجاری وجود ندارد، چراکه منشاء حقوق ناشی از حقوق سنتی کامن‌لا و نهاد انصاف می‌باشد، ولی این نگاه سطحی است. اگر در مبانی و نحوه برخورد با این مقوله در هریک از اعمال و وقایع حقوقی نیک ببینیم، مشخص می‌گردد که قانونگذار در کنار اینکه در طی زمان و در کنار تحولات اجتماعی به مقوله مرور زمان توجه است. درخصوص حقوقی که ناشی از نهاد انصاف است، همانطور که از نام آن پیداست و از لحاظ تاریخی نیز فلسفه وجودی آن برای جلوگیری از اعمال انعطاف‌ناپذیر قوانین کامن‌لا و ممانعت از نتایج ناعادلانه اعمال قوانین انعطاف‌ناپذیر بوده است، اعمال مرور زمان قانونی صورت نمی‌گیرد و فقط دادگاه می‌تواند با تطبیق دعوا مرتبط با نهاد انصاف با نمونه مشابه آن در حقوق کامن‌لا در صورت لزوم از آن استفاده کند.

برعکس در دعاوی و حقوقی که ناشی از انصاف نیست یا به نوعی مورد حمایت قانونگذار قرار نگرفته است، اجرا و اعمال مرور زمان‌های پیش‌بینی شده در قانون اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در واقع نگاه قانونگذار به معاملات و روابط حقوقی بین افراد جامعه (غیر از موارد خاصی که قانونگذار مشخصاً برای آن قواعد ویژه‌ای را وضع نموده است) از دریچه تجاری و بازرگانی است و قواعد این سنخ از روابط حقوقی بصورت خدشه‌ناپذیری در جهت مصالح بالاتر یعنی اصول برشمرده شده سرعت، سهولت و امنیت پیروی می‌شود.

درخصوص ایران آنچه که از رویه مشهود است، این است که برخلاف حقوق کامن‌لا برای موجه یا ناموجه بودن ایراد مرور زمان به ملاک‌های عینی یا ذهنی از باب رفتار طرفین دعوا توجه نمی‌شود و اگرهم چنین توجهی صورت گیرد، در آراء بیان نمی‌شود. در واقع در ایران صرف شرعی یا غیرشرعی بودن آن معیار و جهت مرور زمان است نه اینکه رفتار خواهان در تاخیر در دعوا چیست؛ متعارف بودن یا نامتعارف بودن میزان تاخیر؛ میزان زیان خواهان از دعوای نابهنگام؛ نقش خواننده در تاخیر خواهان، همگی ملاک‌هایی است که گرچه می‌تواند موجبات غنای استدلال حقوقی را فراهم آورد، ولی مستقیماً مورد توجه آرای قضایی نمی‌باشد.

در نهایت می‌توان گفت که اگرچه نمی‌توان اختیار دادگاه در رد یا قبول مرور زمان را انکار کرد، ولی بنظر می‌رسد که می‌بایستی برای آن مبنایی منصفانه در نظر گرفت که در رسیدگی قضایی مورد توجه دادگاه باشد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- اشمیتوف، کلایم (۱۳۷۸)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، مترجم: بهروز اخلاقی، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- ایران‌پور، فرهاد (۱۳۹۰)، *نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی*، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۳- حاتمی، علی‌اصغر و ذاکری، محمد وحید (۱۳۷۹)، «تجدید اعتبار مرور زمان»، *مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران*.
- ۴- دعوای شرکت مجتمع شیر م. علیه شرکت بیمه ا. شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۶۰۰۷۳۱. شعبه ۳۰ دادگاه عمومی تهران. تهران: ۱۳۹۱ ۶۵. مجموعه آرای دادگاه تجدیدنظر استان تهران، اداره انتشار آراء پژوهشگاه قوه قضائیه.
- ۵- دعوای م. پ علیه شرکت ص. شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۱۵۶۴. شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی تهران. تهران: ۱۱ ۲۹ ۱۳۹۱. مجموعه آرای دادگاه تجدیدنظر استان تهران، اداره انتشار آراء پژوهشگاه قوه قضائیه.
- ۶- ستوده، حسن (۱۳۷۷)، *حقوق تجارت*، ج ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۷- شریفی، مجتبی (۱۳۸۲)، «ضرورت باب مرور زمان در قانون»، *ماهنامه دادرسی*، ش ۳۷.
- ۸- شهیدی، مهدی (۱۳۸۱)، *حقوق مدنی، سقوط تعهدات*، تهران: نشر مجد.
- ۹- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- عرفانی، محمود (۱۳۸۳)، *حقوق تجارت*، ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.

### لاتین:

- 11- Bergman, Paul and Sara J. Berman-Barrett (2003). *Represent Yourself in Court*. Ed. Lisa Guerin. 4th edition.
- 12- Cunningham-Hill, Susan and Karen Elder (2010). *Civil Litigation Handbook*. New York: Oxford University Press.
- 13- Loughlin, Paula and Stephen Gerlis (2004). *CIVIL PROCEDURE*. Second Edition. Cavendish Publishing Limited.
- 14- Mallor, Jane Bowers, Thomas; Langvardt (2010). Arlen W. *Business Law*. 14. NY: McGrawHill.
- 15- Peter Gillies, Gabriël Moens (2000). *INTERNATIONAL TRADE AND BUSINESS: LAW, POLICY AND ETHICS*. 2. Cavendish Publishing.

- 16- Sime, Stuart and Derek French (2012). *Blackstone's Civil Practice 2013: The Commentary*. Second. Oxford University Press.
- 17- UNIDROIT and The American Law Institute (2006). *Principles of Transnational Civil Procedure*. 2. Cambridge University press.

